

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه هشتاد و یکم، ۴ اسفند ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/ سهام استقراضی / مبانی میرزای قمی ره در عاریه و تطبیق آن بر سهام استقراضی

1- حدیث اخلاقی

روز ولادت با سعادت حضرت جوادالأئمه، امام محمد بن علی صلوات الله علیهما است؛ این روز مولود با برکت، بر همه کسانی که ان شاء الله تبارک و تعالی، علماً و عملاً تابع حضرت هستند، مبارک باشد.

1-1، لزوم تمسک به حالات هر یک از ائمه علیهم السلام در اعیاد و وفیات

ما بارها عرض کردیم که ایام متعلق به حضرات معصومین، ایام تعلق و تحقق به حالات آن امام علیه السلام است؛ و امروز هم که متعلق به حضرت امام جواد علیه السلام است، ما باید متمسک و متوسل به اوصاف و حالات حضرت بشویم. و همین، منظور و مراد از این است که انسان به امامت ایشان، مقتدی و اقتدا کننده باشد؛ چون هر امامی نسبت به زمان امامت خودشان، یک تجلی خاصی داشتند.

در این ایامی که توی ماه مبارک رجب هستیم، یکی دو تا از فرمایش های امروز حضرت را به عنوان اقتدای به حالات ایشان عرض می کنیم و ان شاء الله تبارک و تعالی، مخاطب به خطاب «این الرجیبون [1]» باشیم.

2-1، لزوم توجه قلبی به خداوند در کنار عبادات عملی

مرحوم مجلسی، این حدیث را در بحار بیان فرموده اند؛ و یکی از احادیث سیر و سلوکی قوی ای است که اگر ما در مکتب مان همین فرمایش امام جواد علیه السلام داشتیم، لازم بود برای این حدیث، برنامه ریزی خاصی داشته باشیم؛

حضرت فرمودند: «القصود إلى الله تبارک و تعالی بالقلوب أبلغ من إتعاب الجوارح بالأعمال [2].»

سبحان الله از این فرموده حضرت؛ حضرت فرمودند: توجه به حضرت حق داشتن و آهنگ خدا در دل داشتن و به دل متوجه حضرت حق بودن، این برتر و بهتر و ابلغ است از اینکه انسان، خودش را با اعمال و جوارح، خسته و کوبیده کند؛ خیلی تعبیر سنگینی است؛ یعنی یک

عده کار دارند، بدون توجه؛ نماز و روزه و خمس و زکات و اعمال مختلفه‌ای دارند، اما توجه ندارند؛ و به عبارتی ظاهر دارند، ولی باطن ندارند. حضرت فرمودند: اعمال ظاهری، وقتی شما را به خدا می‌رساند که شما، قصد الی الله بالقلوب هم داشته باشید؛ دل متوجه حضرت حق باشد.

-3،1 سه نیاز مؤمن

حضرت امام جواد علیه‌السلام در فرمایش دیگرشان که باز هم در بحار است حضرت فرمودند:

«المؤمن یحتاج الی توفیق من الله و واعظ من نفسه و قبول ممن ینصحه [3].»

حضرت فرمودند: انسان مؤمن، نیاز به سه چیز دارد؛ این سه چیز که حضرت بیان فرمودند، خیلی از عوامل موفقیت‌های انسان مؤمن است؛

-1،3،1 توفیق از جانب خداوند

یک. «توفیق من الله»؛ اولین نیاز انسان، توفیق الهی است؛ توفیق از جانب خداوند. وقتی در ضمن کریمه ﴿وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ﴾ [4] از امام صادق علیه‌السلام سؤال می‌کنند: این توفیق من الله، چیست؟ حضرت فرمودند: «این است که وقتی خدا به انسان امر می‌کند و امری را صادر می‌کند، او اطاعت کند؛ و وقتی اطاعت کند، کار بنده با اراده الهی یکی می‌شود؛ و سُمّی العبد به موفقا»؛ [5] سبحان الله؛ این معنای توفیق است؛ پس وقتی می‌گوییم خدا به تو توفیق بدهد، یا استادی نسبت به شاگرد، پدر و مادری نسبت به فرزندان، امام و رهبری نسبت به امتش می‌گوید موفق باشید، یعنی خدایی باشید؛ کارتان، کار الهی باشد؛ و مورد اراده الهی باشد؛ پس انسان مؤمن، نیاز به اراده الهی دارد؛ یعنی نیاز دارد که خدا کمکش کند.

-2،3،1 واعظ درونی

احتیاج دوم: «و واعظ من نفسه»؛ نیاز به یک موعظه‌گر درونی دارد. اگر همه انسانها موعظه‌گر خویش بودند، هیچ مشکلی پیش نمی‌آمد؛ و انسان موظف به این است که خودش، خود را نصیحت کند. می‌دانید که به قدری که خود انسان آگاه به حالات خودش است، هیچ کس آگاه به حالات او نیست؛ و هیچ کس نمی‌تواند همانند خود انسان، خودش را موعظه‌گر باشد.

-3،3،1 پذیرفتن موعظه دیگران

و سومین چیزی که حضرت امام جواد علیه‌السلام فرمودند: این است که «و قبول ممن ینصحه»؛ اگر کسی او را نصیحتی یا توصیه‌ای بکند، قبول بکند؛ قبول ناصح هم یکی از

نیازمندی‌های انسان است؛ حضرت امام جواد علیه‌السلام فرمودند: انسان مؤمن و معتقد، نیازمند به این سه چیز مهم است: توفیق الهی، و واعظ و پنددهنده‌ای از درون خودش، و پذیرش نصیحت و خیرخواهی‌ای که به او نیازمند است.

ان‌شاءالله امیدواریم که این حالات امام جواد علیه‌السلام با توجه به این فرمایش‌شان، در همه پیاده شود؛ و واقعا عرض می‌کنیم یا جوادالأئمه، ما محتاج به توفیقیم؛ ما محتاج به واعظ من نفس خود هستیم؛ و ما محتاج به قبول ممن ینصحه هستیم؛ و امیدواریم به برکت حضرت، ان‌شاءالله تبارک‌وتعالی تابع حالات حضرت باشیم؛ و ان‌شاءالله علما و عملا در محضر حضرت باشیم. رزقنا الله ایانا و ایاکم تا بتوانیم جزو موفقین باشیم؛ اگر جزو موفقین بودیم، جزو کسانی هستیم که امر الهی را اطاعت کردیم؛ و امر الهی، مطلق اوامر و نواهی است؛ یعنی آنچه که مورد رضا و پسند حضرت حق است. رزقنا الله ایانا و ایاکم، ان‌شاءالله تبارک‌وتعالی.

2- خلاصه جلسه گذشته

در مباحث مستحدثه و جدید اقتصادی و مسائل متعلق به بورس، در انواع و اقسام معاملاتی بودیم که احیانا در بازار مشتقه یا در بازار معاملاتی بورس اتفاق می‌افتاد و یکی از آنها خرید و فروش سهام بود که در مواد مختلف بورسی، چه بورس داخل و چه خارج، ما می‌بینیم که خرید و فروش، بر اساس سهام صورت می‌گیرد؛ و گاهی، مورد خرید و فروش عاریه‌ای قرار می‌گرفتند؛ مثلا خودشان در قراردادهای شان هم دارند که گاهی مصرح و گاهی غیر مصرح آمده است؛ ما تقاضا می‌کنیم که کسانی که دست اندرکار بورس هستند، این قراردادها را با دقت بیشتری دنبال کنند؛ حتی بارها در این بحث پیشنهاد کردیم؛ و باز هم، تکرار می‌کنیم که اگر بخواهیم بورس ما اسلامی ایرانی باشد، و بر اساس مسائل اسلامی و فقهی اداره شود، قراردادهایی که بین کارگزاران و بورس بسته می‌شود، اینها را با درایت کاملی دنبال کنند که از مشروعیت کامل برخوردار باشد؛ مثلا می‌آیند سهامی را خرید و فروش می‌کنند؛ خرید یا فروش این سهام، تا یک سررسید مشخصی، در اختیار اشخاصی، چه حقیقی و چه حقوقی، قرار می‌گیرد و در تاریخ مشخص، این سهام، یا بهتر بگوییم همانند سهام - نمونه چند سهم فلان شرکت، در مدت مشخصی - در اختیار خریداری است؛ و بعد به دیگری، نقل و انتقال داده می‌شود؛ در این مدت، این سهم در شرکت یا برای شرکت، سودی دارد و سودی یا غیر سودی، در بازار دارد؛ و بالا و پایین رفتنی که نسبت به بازار دارد، این طرف متعهد می‌شود که این چند سهم را در فلان تاریخ مشخص، تحویل بدهد؛ چه بازار افت کرده باشد، چه نه.

3- اشاره به روایات سهام استقراضی

ما با توجه به روایاتی که در وسائل جلد ۱۹، ص ۹۶ به بعد عرض کردیم، بعضی از این روایات را خواندیم که منظور از این روایات، این بود که اگر جنسی را عاریه دادند، ضمانت ندارد؛ مگر اینکه شرط کنند؛ روایات هم، صحیحه بود؛ مضمون این روایات، این بود که «لیس علی صاحب العاریة ضمان، إلا أن یشرط صاحبها، إلا الدراهم؛ فإنها مضمونة اشترط صاحبها أو لم یشرط [6]».»

از اینها استفاده می‌شود که اگر به صورت عاریه‌ای یک چیزی را گرفت و دخل و تصرفی و استفاده مجازی از آن کرد، ضمانت ندارد.

4- دیدگاه میرزای قمی در عاریه

همانطور که بارها عرض کردیم، خدا رحمت کند مرحوم میرزای قمی رحمه‌الله در جامع الشتات که در واقع، سؤال و جواب‌های علمی و فقهی ایشان، با مبانی خاص ایشان است. چند سؤال، مربوط به عاریه است که حتماً ملاحظه کنید.

یکی از آن سؤال‌ها این است:

سؤال ۱۸۸:

مستعیر چگونه انتفاعی می‌تواند از عاریه ببرد؟ و تا کی می‌تواند انتفاع ببرد در وقتی که مدتی معین قرار داده نشده باشد؟ (این یک بحثی است. البته ما عرض مان این است که در مانحن فیه، یعنی در خرید و فروش سهام و استقراض، قطعاً مدت مشخص است. چقدر می‌تواند استفاده کند؟)

جواب:

«هرگاه در عاریه، تعیین مدت نشده و به عنوان اطلاق، رخصت در منتفع شدن داده، رجوع می‌شود به عرف و عادت» [7]. «خیلی حرف زیبایی فرمودند. پس می‌توانیم بگوییم اگر تاریخ مشخص کرد، خوب است؛ اما اگر سهامی را خرید و فروش کند، ولی هیچ زمانی را بیان نمی‌کند، ما باید به عرف مراجعه کنیم؛ مراد از عرف، عرف آن سهام و عرف آن شرکت است؛ ببینیم عرف این، تا کی معتبر است؛ اگر اینطور نبود، باید به عرف انتفاع مراجعه کنیم؛ ببینیم این سهام در عرف، چگونه است؟ مثلاً فلان سهام، تا فلان تاریخ اعتبار دارد؛ پس باید مراجعه به عرف بشود؛ خود مراجعه به عرف، یک ملاک برای استفاده و انتفاع از سهام است.»

0.1- عدم ضمان مستعیر در تلف عین عاریه مگر در دو مورد

سؤال ۱۸۹:

هر گاه عین معاره تلف شود یا نقصان بهم رساند در نزد مستعیر، ضامن تلف هست یا نه؟ (مثلاً اگر این سهام تلف شد، آیا کسی که عاریه گرفته، باید ضمانت داشته باشد، یا نداشته باشد؟ تازه مراد از تلف، چه تلفی است؟ آیا کلاً از حیز انتفاع ساقط می شود، یا اگر افت بازاری و افت معاملاتی هم پیدا کرد بگوییم از بین رفته؟)

جواب:

«مشهور علما این است که ضامن نیست؛ مگر در صورت تفریط و تعدی با شرط ضمان، و در خصوص طلا و نقره. و ابن جنید، عاریه‌ی حیوان را نیز استثناء کرده؛ (پس اینها چیزهایی است که ایشان، نظرشان همین‌طور است؛ تا اینکه می‌فرمایند (در این صورت، هر گاه تلف شود، ضامن است؛ به جهت آن که از اذن مالک، این فرد استعمال فهمیده نمی‌شود. بلکه ظاهر عاریه آن است که باز عین، باقی بماند؛ به نحوی که از برای آن، مالیتی باشد؛ هر چند قلیل باشد.

0.2- ادله عدم ضمان مستعیر در غیر مواردی که استثناء شده

اما عدم ضمان در غیر صورت استثناء: پس ظاهر این است که اجماعی است؛ چون از باب امانت است. و در کفایه و غیر آن، تصریح به عدم خلاف شده؛ و در مسالك، تصریح به اجماع علمای ما و اکثر عامه شده؛ و اخبار صحیحه هم، دلالت دارد بر آن؛ (ما این اخبار صحیحه را عرض کردیم (و خلاف ابن جنید هم، ضعیف است؛ و روایتی که به آن متمسک شده، شاذ است و مستند آن هم، قاصر است.

0.3- موارد استثناء عدم ضمان مستعیر

3- 0.3.1، ضمان مستعیر در صورت تعدی و تفریط، و همچنین در صورت شرط ضمان

و اما صورت استثناء: پس در صورت تعدی و تفریط نیز، ظاهراً خلافی نیست؛ و دلالت دارد بر آن مفهوم اخباری که نفی غرامت در آنها مشروط است به امین بودن مستعیر و مؤتمن بودن [او]؛ و متعدی و مفراط نیست؛ پس باید غرامت بر آنها باشد. و عموم حدیث «علی الید ما اخذت حتی تؤدیه» هم، شامل آن است؛ بلکه خصوص بعض اخبار صحیحه هم دلالت دارد بر آن. و هم چنین در صورت شرط ضمان هم، خلافی نیست که ضمان، ثابت است؛ و در مسالك و غیر آن، تصریح به اجماع شده؛ و اخبار صحیحه و غیر صحیحه هم، دلالت دارد بر آن.

3- 0.3.2، ضمان مستعیر در عاریه‌ی طلا و نقره

و اما استثنای طلا و نقره: پس آن نیز فی الجمله، اجماعی است؛ و لکن خلاف است در این که مطلق طلا و نقره، حکم او این است؟ یا مخصوص درهم و دینار است؟ و جمع ما بین اخبار در این مسأله، خالی از صعوبتی نیست. و حقیر این مسأله را در جواب مسائل سابقه که در مجموعه‌ی علی حده است، تحقیق کرده‌ام؛ و جمع اخبار به قدر طاقت خود کرده‌ام؛ و حاصل مختار «تفصیل» است که: در درهم و دینار، ضمان هست، هر چند شرط ضمان نکرده باشند؛ و در سایر افراد طلا و نقره، مثل زینت زنان و غیر آن، ضمانی نیست؛ مثل سایر افراد عاریه، مگر با تفریط یا تعدی یا شرط ضمان [8].»...

پس ایشان هم، خیلی بحث قوی دارند. این سؤال و جواب را ملاحظه می‌فرمایید که منبع بحث ما هست.

1- تطبیق بحث ضمان یا عدم ضمان عاریه با سهام استقراضی

پس نتیجه این می‌شود که در بحث عاریه، اگر افراط و تفریطی صورت نگرفته باشد، ضمانتی وجود ندارد؛ مگر اینکه شرط ضمان را انجام داده باشند؛ و در اینکه افت سهام دارد، یا ندارد، و اینکه آیا جزء ضمان داشته باشیم، یا نداشته باشیم، اگر شرطی گذاشته باشند، باید طبق شرط‌شان عمل کنند؛ مثلاً سهامی را خرید و فروش می‌کنند، یا عاریه به دیگری می‌دهند، اگر شرط کنند که این بالا و پایین رفتن بازار را متعهد می‌شوم که جبران کنم، باید به قراردادشان عمل کنند؛ و الا اگر شرط نکنند، ضمانی معتبر نیست.

سؤال ۱۹۰ و جوابش را هم ملاحظه بفرمایید [9].

2- نتیجه

از مجموع اینها استفاده می‌شود که قاعده «علی الید ما أخذت حتی تؤدیه»، در اینجا، ساری و جاری است؛ و باید رعایت کند؛ و اگر شرط ضمن عقد را نداشته باشد، ضمانی در کار نیست. تا برسیم به اقسام دیگر این فروش؛ و ببینیم شرعیت دارد، یا ندارد.

[1] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۱۰، ص ۴۷۹، أبواب الصوم المندوب، باب ۲۶، ح ۱۲، ط آل البیت.

[2] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسی، ج ۷۵، ص ۳۶۴.

[3] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسی، ج ۷۵، ص ۳۵۸.

[4] هود/سوره ١١٥، آيه ٨٨.

[5] بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج ٥، ص ١٩٩ و ٢٠٠.

[6] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٩، ص ٩٧، أبواب العارية، باب ٣، ح ٣، ط آل البيت.

[7] جامع الشتات في أجوبة السؤالات، القمي، الميرزا أبو القاسم، ج ٣، ص ٣٩٩.

[8] جامع الشتات في أجوبة السؤالات، القمي، الميرزا أبو القاسم، ج ٣، ص ٤٠٠-٤٠٢.

[9] جامع الشتات في أجوبة السؤالات، القمي، الميرزا أبو القاسم، ج ٣، ص ٤٠٣.